

## فروشنامه روستای الاروق اردبیل و کشتزار گوسر در سال ۹۴۷

### به آستانه شیخ صفی الدین اردبیلی

- در کتابخانه موزه ایران باستان چهار نسخه ایست از «صریح الملك» که در آن اسناد و بنچاقهای موقوفات آستانه شیخ صفی درج شده است (فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۱۳۶)
- ۱- در صریح الملك متن وقف نامها و سندهای دیگر مربوط به این آستانه دیده می شود و چنین دفنوی را از دبیر باز «صریح الملك» میخوانده اند چنانکه در همین نسخهها می بینیم:
- ۲- «صریح الملك» کهنه ای در میان اسناد آستانه هست که بعضی اسامی از آن معلوم میشود از آن جمله سه دانگ دینکلورا وقف نوشته اند به تاریخ رجب اربع و سبعه (برگ ۱۵۴)
- ۳- «در صریح الملك مندرسی که بتاریخ رجب سنه اربع و اربعین و سبعه مائه مورخ است قریه «ازمرا» داخل وقف است (گ ۱۵۴)
- ۴- عدد اوراق صریح الملك سرکار صاحب قرانی سه ورق مع يك ورق آخر که حرف «صرح» نوشته شده ۴ ورق (گ ۱۵۷)
- ۵- «مجموع اوراق صریح الملك سرکار قدیمی آستانه مقدسه ۱۷۲ ورق» (گ ۱۵۶)
- ۶- «در صریح الملك مندرسی که به تاریخ رجب سنه ۷۴۴ نوشته قریه «میرعلی» بالثلث در آنجا به وقفیت زاویه مقدسه داخل است» (گ ۸۵۹۰)
- ۷- در کتابخانه ملی نسخه ایست از صریح الملك بشماره ۲۷۳۴ بخط نستعلیق سده نهم با عنوانهای شنگرف باندازه رحلی کوچک، دران این یادداشتها دیده میشود:
- ۱- «موضوع مهر وقفی نواب اشرف . وقف نمود این کتاب را کلب آستانه حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام عباس الصفوی به آستانه منوره شاه صفی علیه الرحمه هر که خواهد بخواند و مشروط بر آنکه از این آستانه بیرون
- ۱- «در صریح الملك مندرسی که بتاریخ رجب سنه اربع و اربعین و سبعه مائه مورخ است قریه «ازمرا» داخل وقف است (گ ۱۵۴)
- ۲- «در صریح الملك مندرسی که بتاریخ رجب سنه اربع و اربعین و سبعه مائه مورخ است قریه «ازمرا» داخل وقف است (گ ۱۵۴)
- ۳- «در صریح الملك مندرسی که بتاریخ رجب سنه اربع و اربعین و سبعه مائه مورخ است قریه «ازمرا» داخل وقف است (گ ۱۵۴)
- ۴- عدد اوراق صریح الملك سرکار صاحب قرانی سه ورق مع يك ورق آخر که حرف «صرح» نوشته شده ۴ ورق (گ ۱۵۷)
- ۵- «مجموع اوراق صریح الملك سرکار قدیمی آستانه مقدسه ۱۷۲ ورق» (گ ۱۵۶)
- ۶- «در صریح الملك مندرسی که به تاریخ رجب سنه ۷۴۴ نوشته قریه «میرعلی» بالثلث در آنجا به وقفیت زاویه مقدسه داخل است» (گ ۸۵۹۰)
- ۷- در کتابخانه ملی نسخه ایست از صریح الملك بشماره ۲۷۳۴ بخط نستعلیق سده نهم با عنوانهای شنگرف باندازه رحلی کوچک، دران این یادداشتها دیده میشود:
- ۱- «موضوع مهر وقفی نواب اشرف . وقف نمود این کتاب را کلب آستانه حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام عباس الصفوی به آستانه منوره شاه صفی علیه الرحمه هر که خواهد بخواند و مشروط بر آنکه از این آستانه بیرون



نبرند . و هر که بیرون برد شریک  
خون امام حسین علیه السلام بوده  
باشد .

۲- «هو . چون نسخه اصل  
مؤکد به لعنت نامه که از آستانه  
مقدسه منوره بیرون نبرند در  
کتابخانه سرکار جدیدی مطبوع  
است با نسخه مذکور مقابله شده  
و مهر نواب جم جاه علیین آشیان  
جنت آرامگاه شاه طهماسب انارالله  
برهانه و شاه عباس که در عنوان  
نسخه اصل بوده است به محمد  
مؤمن کتابدار سپرده شد .

۳- « کتاب عن سواد وقف  
نامچه املک شیخ صفی علیه الرحمه  
مشهور به صریح الملك که درین  
وقت متولی اردبیل بدر گاه معلی  
فرستاده . قطع وسط ، کاغذ سمرقندی  
جلد تیماج ، و بتاریخ شهر جمادی  
الاولی ۱۰۹۰ در خزانه عامره ابواب  
جمع شد بتاریخ .

۴- « به تاریخ شهر شوال ۱۰۹۷ داخل عرض خزانه  
شده بود .

۵- « به تاریخ شهر جمادی الاولی ۱۱۰۷ داخل عرض  
خزانه عامره شد .

۶- « از بابت تحویل مقرب الحضرة کتابدار باشی از  
قرار قبض به عالی قدر رفیع مقدار متولی جلیل القدر سرکار  
فیض آثار سپرده شد ، تحریر آفی ۱۷ شهر جمادی الثانیه ۱۰۱۱ .

۷- « مجموع عدد اوراق این صریح الملك که بعدد



آورده شد ورق به ورق در سر هر صفحه رقم گردید صد و نود  
و هشت ۱۹۸ ورق است سوای اسناد و قبالات که در خزانه  
معموره مضبوط و در آن وقت به نظر نرسید و داخل این  
نسخه نشده است و این منتسخ از روی نسخه اصل که در زمان  
پادشاه علیین آرامگاه شاه طهماسب انارالله برهانه نوشته شده  
است ان شاء الله تعالی من بعد آنچه از پیش بنظر رسد داخل  
این خواهد شد .

۸- « این نسخه شریفه حسب الامر الاعلی به تاریخ شهر



جمیدی‌الثانی سنه ۱۱۱۵ در کتابخانه خاصه شریفه برطبق نسخه‌ای که در خزانه عامره مضبوط است بطریق استکتاب به اتمام رسید و من اوله الی آخره بانسخه مزبوره موافق است. حرره الداعی لدوام الدوله القاهره جلال محمد الشریف الحسینی «بامهر «یا من له الملك والجلال ۱۱۱۴».

در دیباچه این نسخه این نامها دیده می‌شود که از رهگذر تاریخ آستانه شیخ صفی در اردبیل بسیار سودمند است: بیت دار الارشاد زاویه و حظیره قطب الاقطاب و اولاد او مشتمل بر حرم و چله‌خانه و بیوتات و عمارات حرم و دار الحفظ، بیت شاهزاده‌ها ملصق بدار الحفظ، ایوان به جانب قبله مایل به مغرب معروف به دار الحدیث محلی به القاب شاه اسماعیل مقبره‌های اولاد مشایخ، عمارت و خانه سید شیخ شاه بن خواجه حسن بیگ صفوی، روضه شاه عالم پناه در پنجه علی، بیت مقصوره برابر دار الحدیث که در پیش‌طاق ایوان آن القاب نواب کامیاب شاه طهماسب است، محوطه شهید گاه، فراشخانه آستانه، چله‌خانه‌های قدیم شیخ صفی و جدید شیخ صدرالدین موسی دارای گنبد محذوف به چهل حجره زین و بالا، خانه سید علی بیگ بن خواجه شیخ خان صفوی بارخانه سید شیخ شاه بن خواجه حسن بیگ صفوی، حجره ضابطان نذر، صفحه مزارات، عرصه، آتش‌خانه، خبازخانه، شربت‌خانه، دفترخانه، حوایج‌خانه، نقاره‌خانه، هیمة‌خانه، مدرسه.

در اینجا از هر یک از اینها بخوبی وصف شده بطوریکه که وضع آن روز آستانه شیخ صفی را میتوان در ذهن تصویر نمود.

در این نسخه پس از دیباچه نخست از قبالة مورخ ۹۴۹ سپس مسوده و قفیه شیخ صفی‌الدین اسحق مورخ ۷۲۷ یاد میشود. آنگاه اسناد هر محلی جداگانه نقل میگردد. آغاز این نسخه؛ حمدی صفی صافی که فاتحه کتاب کریم و صدرالخطاب کلام حکیم را کافی باشد... اما بعد فہذا کتاب صریح و خطاب فصیح لتعداد املاک منسوبه، و ترتیب اشخاص

موصوفه بشروط مقرره معبوده مذکوره «علی العتبہ العلیہ الرفیعة الکریمۃ العظیمۃ الصغیۃ المہدیۃ الزکیۃ التقیۃ النقیۃ الرضیۃ الموسویۃ الجعفریۃ الباقریۃ العابدیۃ الحسینیۃ الحسنیۃ العلویۃ المشہورۃ المنصورۃ بالصغویۃ حفت بالانوار القدسیۃ الالہیۃ الملکوتیۃ...»

باعث این وثیقه و کشف این (نمیغه) آنکه چون از معظمات شروط و متحمت عہود خیر منوط در اکثر صکوک این اوقاف صفی الاوصاف که تولیت (آن) منوط به رای رزین اصلح اولاد امجاد این سلسله علیہ باشد و حال مخصوص ذات ملک صفات پادشاه عالی جاهی است که نام نامیش.. هو السلطان.. ابوالمظفر.. «شاه طہماسب بہادر خان» است. مجملًا چون بہ تاریخ شہور . سنہ خمس و سہ و عین و تسع مائتہ نواب کامیاب.. ملہم بہ تعیین تولیت سیادت و نقابت پناه... علامۃ العلماء... «ظہیر اللسیادۃ» و صدرالشریعة والافادۃ و الدین... اسمہ «الشریف».. «ابراہیم... و ہومن دوحۃ - العلویۃ الصغویۃ الموسویۃ» شدند.. بعد از نظم و نسق این سرکار - گردون پرگار فیض آثار و رواج و رونق این عتبہ علیہ الانوار بہ وجہی کہ مرضی خاطر اشرف اقدس نواب کامیاب.. بہ خاطر گذرانید کہ «صریح الملکی» جامع جمیع املاک و رقبات منسوبہ بدین آستان.. درست دارد کہ بہ رای متصدیان این سرکار و مستوفیان این پرگار ضابطہ و صکوک و حجج مخزن و نہ را رابطہ باشد، ظاہرا قابلیت تلفیق و صلاحیت احراز سعادت این توفیق درین کمینہ بی بضاعت قلیل الاستطاعہ **ابن عبدالمؤمن علی الملقب بہ زین العابدین الشہیر بہ عمدی...** باشد تا.. از اجزاء مجموع قبالات و اسناد متمسکہ مشروعه نماید.. پوشیدہ نماید کہ این اوراق مخصوص رقبات «آستانہ علی» با آنکہ در حجج و اسناد بعضی بہ اسم «زاویہ» و بعضی بہ اسم «حظیرہ» یا «مزار» و بعضی «آستانہ صفویہ» یا «زاویہ حضرت عالی» رتبہ «شیخ صفی الدین» یا حضرت.. شیخ «صدرالدین» یا اسم شریف ایشان و اولاد امجاد ایشان بہ ترتیب برد سوی رقبات منسوبہ بہ سر کار آش..







و بعد از آنکه ثابت شده بود که دوشعیره شایع از جمیع قریه آلاروق مزبور بامثل آن از توابع ولواحق و مضافات و منسوبات و مزارع ، سیمامزرعه «کوسویر» حق و ملک موروثی پشاه خاتون بنت مولانا همة الله بود ، و او وفات یافته از سرزوج ، وهو «قاضی احمد کاکلی» و دو پسر و یک دختر «امان الله بن قاضی میر محمد» و «قاضی هدایة الله» و «گزل آغا» و لدی قاضی احمد مذکور لاغیر ، و «قاضی احمد» مذکور نیز وفات یافته از سر سه پسر «قاضی هدایة الله» مشارالیه و «محمود» و «منصور» و دو دختر «گزل آغا» مذکور و «آغا پاشا» و لاغیر . و «گزل آغا» نیز وفات یافته از سرزوج خواجه بیک بز از ابن خواجه ملک بجان و سه پسر : «قاسم بیک» بالغ ، «واخی بیک» و «عزیز بیک» صغیرین ، و «سلطان زاده» بالغه و لاغیر . و دوشعیره مذکور از میتة مذکور بهورثه او منتقل گشته بود ، کما فرض الله . فروخت قاضی «هدایة الله مومی الیه اصاله لنفسه و وكالة لمن امان الله و محمود» و «منصور» و «آغا پاشا» مشارالیه ، آنچه بدیشان از اولد منتقل گشته بود ، و آن عبارت است از «سیصد و نود و سه سیم» از جمله «چهارصد و هشتاد سیم» از دوشعیره قریه مزبوره و توابع سیمما «کوسویر» ، به مبلغ هژده هزار و چهارصد و بیست دو دینار تبریزی ، به وکیل متولی «آستانه مقدسه صفویه» . و الوکیل مولانا «اخی علی کافی» مذکور . و او نیز خرید ، و بینهما مبیعته جاری شد . و ثمن مذکور نقداً مشاهدأ «پانزده هزار دینار از مال «آستانه» مقدسه و مبلغ «سه هزار و چهار صد و بیست و دو دینار» از مال «شاه قلی سلطان افشار» که نذر آستانه نموده و تعیین کرده که صرف قیمت مبیع نمایند ، تسلیم بایع شد و میانهُ موکلین کما فرض الله قسمت کرد ، و هر یک به حصه خود فایز شدند .

و ایضاً فروخت خواجه بیک مسفور بدصالت خود و کالت «قاسم بیک» و «سلطان آده» مزبور بین ولدی بایع مذکور ، و به ولایت شرعیه در سر صغیرین خود ، «واخی

بیک و عزیز بیک» آنچه از والدین «گزل آغا» مذکور با و ازوبه ورثه او انتقال شرعی یافته بود ارثاً کما قدر الله و آن عبارت است از «هشتاد و هفت سیم» است از جمله «چهارصد و هشتاد سیم» از «دوشعیره» از قریه مزبوره ، و توابع و مزارع سیمما کوسویر و غیر ذلك ، به مبلغ «چهار هزار و هفتاد و هشت» دینار تبریزی ، به مشتری مشارالیه ، و او نیز خرید ، و بینهما معاقدہ جاری شد . و ثمن از مال «شاه قلی سلطان» به اذن متولی به اقباض مشتری تسلیم شد . و بعد از آن اعتراف کردند «قاضی هدایة الله» و «امان الله» و «محمود» و «منصور» و «آغا پاشا» و «خواجه بیک» و «قاسم بیک» و «سلطان زاده» جمیعاً بالطوع و الرغبة که «تمام مبلغ بیست و دو هزار و پانصد دینار» تبریزی مذکور به اقباض مشتری مشارالیه بدیشان واصل شد ، و هر یک به حصه خود فایز گشته ، و جمیع دوشعیره از ایشان منتقل شده است به زاویه متبر که و اکنون وقف است «بر زاویه» مذکور . و بعد از آن اقرار کرد «خلیفه العجمی امیر اشرف متولی» که جمیع مبیعات فوق وقف است «بر زاویه منوره مزبوره» و قفاً صحیحی شرعیاً و اثمان از مندورات و مال «زاویه» ادا نموده اند .

در قباله های مورخ ۸ صفر و ۱۲ و ۱۵ رجب و ۲۴۷-۹۴۷ و اذق ۹۴۹ و ۲۷ ذق ۹۵۰ و ۳ صفر و ۲۲ رمضان ۹۵۱ که در صریح الملك آمده است (فیلم شماره ۱۶۵۸) از قاضی روح اللہ و مولانا امان اللہ بن علی و قاضی هدایة اللہ بن قاضی احمد کاکلی و قاضی احمد بن هدایة اللہ کاکلی و اخی علی کافی یاد شده است .

## متن فروش نامه

الله ولی الاعانه

انحمد لله الذی زین العابدین بزى المعارف و زينة العبادات و الهم قلوبهم بالواردات الباهرات الواضحات .  
والصلوة والسلام الاتمان الاكلان على معین الدین و رکن الاسلام و المسلمین محمد اشرف المخلوقات و آله الطاهرین















لاغير و گزل آقا نیز وفات یافته بود از سر زوج : «خواجه بيك بزاز ابن المرحوم خواجه «ملکيجان» و سه پسر «قاسم بيك» بالغ و اخى بيك و عزيز بيك» صغيرين و سلطان زاده بالغه لاغير و دوشعيره مذكوره از مينه مزبوره به ورثه او منتقل گشته بود به انتقال صحيح شرعى ارثى كما فرض الله تعالى بفروخت .

بمبايعه صحيحه شرعيه جناب قاضى «هدايت الله» مومى اليه اصالة من جانب نفسه . و وكالة شرعيه بعد ثبوتها من جانب «امان الله و محمود و منصور و آقا پاشا» مشاراليهم آنچه ببايع مزبور از والدين مزبور و «امان الله» مذكور از والده و به «محمود و منصور و آقا پاشا» مزبورين از والدين منتقل گشته بود به انتقال صحيح شرعى مملك ارثى كما فرض الله تعالى و آن عبارتست از «سيصد و نود و سه سهم از جمله چهار صد و هشتاد سهم از دوشعيره» تام كامل شايع (۶۶) از قريه مزبوره ؛ بامثل آن از جميع توابع و لواحق و مضافات و منسوبات از ارانى سقيه و عذيه و معموره و مغموره و صحارى و قنوات و عيون و انهار و و هاد و مزارع سيمامزرعه «كوسوير» كه داخل مبيع است و غير ذلك مما يصل التملك و التملك به ثمن معين «مبلغ هجده هزار و چهار و پست و دو دينار تبريزى مضروب» مسكوك فضى رايح الوقت، نصفه تا كيدا للاصل و توضيحه «نه هزار و دو پست و يازده دينار» من ذلك النقد.

بخدمت و كيل و منصوب «از قبل نواب متولى الزاويه المتبر كه المقده المنوره المعطره العليه العاليه الصفيه الصفويه لازالت منوره بالانوار السرمديه مظلة العالى. والو كيل عالى

جناب مولانا زين الدين اخى على مشاراليه خلعت ميامن افضاله و كمالاته.

و جناب مشترى مزبور نیز بخريد مبيع موصوفرا با توابع آن از بايع مذكوره مبلغ مزبور، و بينهما مبايعه صحيحه شرعيه جارى شد، مشتمل بر جميع شرايط و ارکان خالى از نواقض و بطلان، موافق بر نهج «شرع شريف حضرت سيد الانام عليه التحية والسلام»، مستجمع ايجاب و قبول صحيحين شرعيين و رؤيه «المبيع قبل البيع از جانبين، و غير ذلك من المتممات الشرعيه و المصححات الاسلاميه، حالة اتصافهما بالصفات الكماليه.

و از ثمن مذكور مشترى مشاراليه به اذن شرعى نواب متولى مخدوم مشاراليه مبلغ «پانزده هزار دينار تبريزى» نقداً و مشاهداً از مال «زاويه» متبر كه مزبوره، و مبلغ سه هزار و چهار صد و بيست و دو دينار تبريزى از خالص مال حضرت امارت و ايات دستگاهى «شاه قولى سلطان» مشاراليه كه «نذر آستانه» مذكوره نموده بود و تعيين کرده كه به قيمت مبيع موصوف صرف نمايند به بايع مزبور ادا نمود، و بايع نیز ثمن مزبور را بالتمام و الكمال به اقباض مشترى مشاراليه قبض نمود، و ميان موكلين خود كما فرض الله تعالى قسمت كرد، و هريك بحصه خود فائز شدند .

و ايضاً بفروخت به بمبايعه صحيحه شرعيه «خواجه بيك» مسفوره اصالت خود و به وكالت «قاسم بيك» و «سلطان زاده» مزبورين و لى بايع بعد ثبوتها و به ولايت شرعيه دو پسر صغيرين خود و «هما اخى بيك» و «عزيز بيك»، آنچه از والدين گزل آقا مذكوره باو و از و به ورثه او انتقال صحيح شرعى

(\*) هاش : ۸۷ سهم از دوشعير

(\*\*) در هاش : ۸۷ سهم از دوشعير كم



یافته بود ارتثا کما قدره الله تعالی.

و آن عبارتست از «هشاد و هفت سهم» از «جمله چهارصد و هشتاد سهم» از «دوشعیره تام کامل شایع» (۶۶۶) از قریه مزبوره بامثل آن از توابع و لواحق و مزارع سیما «مرزعه کوسویر» و غیر ذلك «مما یقبل التملیک و التملک».

به مبلغ «چهار هزار و هفتاد و هشت دینار تبریزی» مضروب رایج الوقت، نصفه توضیحاً له «دو هزار و سی و نهدینار» تبریزی.

به خدمت مشتری مشارالیه .

و اونیز بخريد مبيع منعوت را با توابع آن از بايع مزبور به مبلغ مذکور، و بينهما معاقدۀ صحیحۀ شرعیہ جاری شد، جامع جمیع شرایط و ارکان، خالی از نواقض و بطلان مشتمل بر ایجاب و قبول صحیحین و قبض و اقباض و رؤیه المبیع قبل البیع از جانبین رؤیه تامه معتبره شرعیه حاله اتصافهما بالصفات الکمالیه .

و مشتری مشارالیه ثمن مذکور را به اذن شرعی نواب متولی بالتمام و الکمال از خالص مال حضرت «شاه قولی سلطان» مزبور که نذر «آستانه» علیه مذکور نموده بودو تعیین کرده که به قیمت مبیع موصوف صرف نمایندال به بايع مشارالیه ادا نمود و اونیز بالتمام به اقباض مشتری مسفور قبض شرعی کرد، و ذمت مشتری مشارالیه از اداء تمام آن «مبلغ بری» و فارغ گشت براءة و فراغ صحیحین شرعیین .

ثم بعد ذلك ، اقرار کردند و اعتراف صحیح شرعی نمودند تأکیداً، قاضی «هدایت الله» و «امان الله» و «محمود و منصور» و «آقا پاشا» و «خواجه بیك» و «قاسم بیك» و «سلطان زاده» مشارالیه طایعا و راغباً که تمام مبلغ «بیست و دو هزار

و پانصد دینار تبریزی» مذکور باقباض مشتری مشارالیه بایشان واصل شده است و هر يك به حصه خود فایز گشته اند و ذمت او از اداء تمام آن مبلغ بریء و فارغ گشته است، و جمیع دوشعیره مزبور از ایشان منتقل گشته است به انتقال صحیح شرعی به «زاویه» متبر که مزبوره دروا کنون وقف است «بر زاویه» مذکوره، و قفا صحیحاً شرعیاً موبداً مخلداً منجزاً، و ایشان را بهیچ وجه در آن شایبه حقیقی نیست و نصیبی نمانده است. و این مبیعات «مذکورات بعد از آن»

بود که صرفه و غبطه سرکار «زاویه» مزبوره در خریدن این مبیعات مزبورات بود به اثمان مزبوره و بعد هذه المقدمات اعتراف شرعی فرمودند حضرت متولی مشارالیه الذی خصه الله تعالی بدولة الازلیه و سعادة السرمدیه اعنی نواب افاضت و افادت پناه امارت و عدالت دستگاه علامه العلمایی فهامة الحکمائی مخدوم المؤمنین و مقتدی الاممی خلیفة العجمی امیر معینا للامارة و الایاله و الافادة و الافاضة و العدالة و الاقبال اشرفا شریفا او حدیاً مدالله تعالی ظله العالی ، و مشتری مشارالیه که جمیع مبیعات مزبورات فی الفوق با توابع آن وقف است «بر زاویه» منوره مزبوره و قفاً صحیحاً شرعیاً و اثمان آن را از مندورات و مال زاویه متبر که مزبوره ادا نموده اند.

اللهم اجعل سعیه مشکوراً و اسلافه مغفوراً و اظلاله ممدوداً بمحمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .

و جری بیع الاول فی الثامن شهر صفر سنه سبع و اربعین و تسعمائه، و البیعین الاخیرین فی شهر رجب المر جب هذا السنه و الختم بالصلوة علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

هامش: هو حسبی ما هو المثبت فی الوثیقہ الشرعیه من المبداء الی المقطع، بیان للواقع ، و اعتراف المعترفون کلهم



بمحضرى؛ حرره الفقير الى الله الولي العبد امان الله بن على عفى

بالمسند اليهم فيه .

بمحضرى ، و ثبت مقتضى الشريعة الشرعية الغراء

عنهما .

من الالزام والامضاء عليه ؛ كتبه الفقير الى الله روح الله ،

سجل بالاي متن: هو المعز . جرت المبايعه المحكية

عنها فيه لدى ووصل الثمن بالبايع الطايح فى المجلس ، و

عفى عنه .

اعترف الموكلون والمتعاقدون وحضرة المتولى مدظله العالى

(مهر)

مذكورة نود بورد ما عيس كرده كه بقمت بيع موصوفه صرف فائد بايع مشار اليه اذ انود، وانير القامر ان باض مشرى مشهور  
 شرف كرده و ذمت مشرى مشار اليه اذ انود، فاما ما يبلغ برى فاع كشت براه و فاع محضرى مشرى **تبعه ذلك اقرار**  
 كرده و اعتراف صحیح مشرى نودند تا كيدا قاضى هذا اليه و امان الله و محمود و منصور و القا پاشا و حاجى بك و قاسم بك و ساطق خان  
 مشار اليهم طابعا و بايعا كه تمام مبلغ بينت و در هر طرفه نودين شريفه كذا مذكور با باض مشرى مشار اليه بايشان و اصل شده اسير و هر كى  
 محضرى نودين كشت اند و ذمت او را از ان تمام ان مبلغ برى و فاع كشتت و جمع دو شعيره نودين نودين نشان و متعلق كشتت با انتقال  
 صحیح مشرى نودين به سركه نودين و كوتون و قفلات نودين و كوتون و قفلات نودين و قفلات نودين و قفلات نودين و قفلات نودين و قفلات نودين  
 شايه حقيقى نيت و نصيبى فاعه انت و ان ساعات مذكور ان بعد از ان بود كه صرفه و غلظه سركه نودين و در هر طرفه نودين  
 مزبور بايت برون با امان نودين و با عهده هذه المقتضيات اعتراف مشرى نودين حضرت متولى مشار اليه الذوق حضرت متولى  
 بدو اهل الاقرب و عهده السركه با عفى المقتضيات اذ ان ان سركه و عدالت و سركه علامه العلي و فقاه الحكامى محمد تقى  
 و معننى الاشمى خليل الدين امير بعينا للامارة و الا باله و الا فاعه و العادله و الاقبال اشرف اشرف او عهده با  
 علامه تعالى عظمى العالى و مشرى مشار اليه كه جميع بايعات مشرى نودين و قفلات نودين و قفلات نودين و قفلات نودين و قفلات نودين  
 و فاع محضرى نودين و امان نودين و امان نودين و امان نودين و امان نودين و امان نودين و امان نودين و امان نودين و امان نودين  
 مضمون ان و اطلاق مدد و جرى بيع الاولى التام شهره صرفه سنج و ايعير  
 و تعامير و البيع من الاخير نودين شهره حجب المحرجه هذه السنه  
 و بعد من الصلح و عطف و امان نودين  
 و عطف العادله

بمحضرى؛ حرره الفقير الى الله الولي العبد امان الله بن على عفى  
 عنهما .  
 سجل بالاي متن: هو المعز . جرت المبايعه المحكية  
 عنها فيه لدى ووصل الثمن بالبايع الطايح فى المجلس ، و  
 اعترف الموكلون والمتعاقدون وحضرة المتولى مدظله العالى